

حمیدرضا حاجی بابایی زمانی که فقط ۳۶ سال داشت وارد مجلس پنجم شد، چهره‌ای نزدیک به هاشمی رفسنجانی به شمار می‌رفت. او دانش آموخته رشته الهیات دانشگاه آزاد اسلامی است و دو سه سالی قبل از نمایندگی سابقه تدریس در آموزش و پرورش را داشته است. حاجی بابایی در مجلس ششم خود را به عنوان یک اصولگرای میانه‌رو معرفی کرد و حتی عضو حزب اعتدال و توسعه شد، اما بعد از اینکه احمدی نژاد رئیس جمهور شد، این حزب را به تندروی متهم کرد و به چهره‌ای حامی محمود احمدی نژاد تبدیل شد و در کابینه دوم او، حتی بر کرسی وزارت آموزش و پرورش نشست. با روی کار آمدن دولت رئیسی، حاجی بابایی بار دیگر از همدان نامزد انتخابات شد و به مجلس رفت و تبدیل به رئیس فراکسیون اصولگرایان شد. او به عنوان رئیس فراکسیون بالارنجانی رقابت کرد که باعث شد در انتخابات اولیه عارف رای بیشتری از لاریجانی کسب کند و لاریجانی دوم شد. بلافاصله او از لاریجانی حمایت کرد تا نشان دهد ریاست لاریجانی بر مجلس، با رای اصولگرایان محقق شده است. باین شرایط این انتظار وجود داشت که در مجلس بعدی، حاجی بابایی در صدر مجلس اصولگرا بنشیند. اما در تقسیم صندلی‌ها، سهمی به سناتور همدان نرسید. حاجی بابایی در این سال‌ها هم سابقه حضور در هیأت رئیسه مجلس را داشته، هم ریاست فراکسیون اصولگرایان را برعهده داشته و هم در کمیسیون تلفیق در بودجه نویسی نقش آفرینی کرده است و همین تجربه باعث شده یکی دوبار سودای ریاست جمهوری هم داشته باشد که البته شورای نگهبان، اجازه این آخری را به او نداد. در جریان انتخاب وزیر آموزش و پرورش دولت رئیسی هم حاجی بابایی نقشی محوری داشت و گفته می‌شود وزیر فعلی آموزش و پرورش، نیروی منتسب به حاجی بابایی در دولت رئیسی است.

◀ **همدان اصولگرا و همدان اصلاح طلب**
استان همدان یکی از اصولگراترین استان‌های ایران است. آنجا یکی از استان‌هایی بود که ابراهیم رئیسی رقابت را از حسن روحانی در انتخابات سال ۹۶ برده بود. گرچه در شهرستان همدان روحانی برنده انتخابات بود. در انتخابات مجلس ۹۴ نیز همدان یکی از مهم‌ترین شهرهایی بود که اصولگرایان در آن برنده شده بودند. اما اصلاح طلبان هم در این شهر توفیقاتی داشتند. جمله در مجلس ششم که به یکی از تندروترین چهره‌های مجلس ششم شد تا جایی که حکم بازداشت او در همان ایام نمایندگی صادر شد و با اعتراض کروی، در نهایت لغو شد. همدان یک بار دیگر در آن ایام در صدر اخبار قرار گرفت.

زمانی که سخنرانی هاشم آغا جری در این شهر منتهی به صدور حکم اعدام برای او شد. سال ۸۸ هم وقتی مقامات شهر با سخنرانی کروی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری بود در دانشگاه مخالفت کردند، کروی به کنار دانشگاه رفت و از پشت میله‌ها با دانشجویان سخن گفت که تصویر این صحنه در روزنامه‌های آن زمان بازتاب زیادی داشت. اصلاح طلبان در انتخابات شورای ۹۶ نیز توانستند نیمی از کرسی‌های همدان را تصاحب کنند. شهر همدان در طول اعتراضات بعد از مرگ مهسا امینی روزهای ناآرامی را سپری کرد. گرچه حجم اعتراضات آن به گستردگی شهرهای دیگر نبود. معترضان و رسانه‌های غربی معتقدند حداقل یک نفر در جریان این اعتراضات کشته شده. همچنین رسانه‌های امنیتی نوشته‌اند یکی از نیروهای امنیتی دست در جریان این اعتراضات جان خود را از دست داده است. جز این، همدان در سال‌های دولت رئیسی، شاهد تجمعات اعتراضی دیگری هم بوده است. آن‌ها در ابتدای کار دولت رئیسی تجمعاتی در اعتراض به کمبود آب در این شهر برگزار کرده بودند.

◀ **ماجرای حذف چطور رقم خورد؟**
اصولگرایان برای انتخابات مجلس دوازدهم، فهرست‌های متعددی منتشر کردند. در هیچ کدام از این فهرست‌ها، نام حمیدرضا حاجی بابایی نبود. چه صبح ایران، جریان رانفی پور از فلاحی و قاسمی حمایت کرده بود. شانا که ائتلاف اصلی بود برای دو کرسی چهار نفر را معرفی کرد که حاجی بابایی نفر چهارم بود. اما حاجی بابایی خود لیستی دو نفره متشکل از خودش و عباس صوفی، شهردار سابق همدان منتشر کرد و حالا هر دو نماینده مجلس محسوب می‌شوند. باین حال رای حاجی بابایی در این هشت سال از ۱۳۳ هزار رای به ۵۸ هزار رای کاهش یافته. مشارکت مردم هم از ۲۶۸ هزار رای به ۲۰۶ هزار رای رسیده است.

مجید ابهری در گفت و گو با «آرمان ملی»:

تحول در جامعه ایران اجتناب ناپذیر است



برخی بدون هیچ سابقه مثبت اجرایی

وسایسی وارد مجلس شده‌اند



انتخابات مجلس، ادغام مرزهای مشارکت

سیاسی و آشنستگی فرهنگی بود



آرمان ملی - احسان انصاری: چرا انتخابات مجلس دوازدهم به یک انتخابات پر از اتفاقات غیرمنتظره تبدیل شد؟ پیامد کاهش میزان مشارکت مردم در انتخابات چیست؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با مجید ابهری، جامعه‌شناس گفت و گو کرده است. ابهری معتقد است: «نی نمی‌توان عنوان کرد برخی افراد از ترس نداشتن مهر انتخاباتی در پای صندوق‌های رای حاضر شده‌اند. در نتیجه باید عنوان کرد کسانی در انتخابات شرکت کردند و رای باطله دادند که به نظام علاقه داشتند اما از بین گزینه‌های موجود به عملکرد افراد موجود اعتقاد نداشتند و به این گمان بودند که این افراد نمی‌توانند مشکلات فعلی کشور را حل کنند. هیچ کس به خاطر ترس و کنترلی رای نداد. آنچه بخش‌هایی از جامعه را به سمت صندوق‌های انتخاباتی کشاند، رقابت‌های قومی و محلی در بخش‌های مختلف کشور بود که باعث شد مردم وارد عرصه انتخابات شوند». در ادامه حاصل این گفت و گو را می‌خوانید.

صندوق‌های رای انداخته شده است. در چنین شرایطی نمی‌توان عنوان کرد برخی افراد از ترس نداشتن مهر انتخاباتی در پای صندوق‌های رای حاضر شده‌اند. در نتیجه باید عنوان کرد کسانی در انتخابات شرکت کردند و رای باطله دادند که به نظام علاقه داشتند اما از بین گزینه‌های موجود به عملکرد افراد موجود اعتقاد نداشتند و به این گمان بودند که این افراد نمی‌توانند مشکلات فعلی کشور را حل کنند. هیچ کس به خاطر ترس و کنترل رای نداد. آنچه بخش‌هایی از جامعه را به سمت صندوق‌های انتخاباتی کشاند، رقابت‌های قومی و محلی در بخش‌های مختلف کشور بود که باعث شد مردم وارد عرصه انتخابات شوند.

◀ **کاهش میزان مشارکت مردم در انتخابات چه پیامدهای اجتماعی و سیاسی خواهد داشت؟**
واقعیت این است که کاهش میزان مشارکت مردم در انتخابات به دلیل اعتراض به وضعیت موجود و ناکارآمدی‌هایی بود که در کشور وجود داشت. نباید از این موضوع به راحتی گذشته و بلکه باید روی آن تأمل کرد که چرا مردم در انتخابات شرکت نکردند. عدم مشارکت مردم به دلیل تورم و گرانی‌های افسارگسیخته‌ای است که در سال‌های اخیر در کشور وجود داشته و وضعیت زندگی مردم را به روز به روز بدتر از گذشته کرده است. واقعیت این است که مردم همچنان از آرمان‌های انقلاب و نظام دفاع می‌کنند و با آن همراهی می‌کنند. قهری که در انتخابات مجلس دوازدهم با صندوق‌های رای صورت گرفت نیز از بی‌مهری‌هایی است که برخی مدیران ناکارآمد مسبب آن هستند. در سال‌های اخیر بیکاری و رانت‌خواری ارکان بسیاری از فسادها بوده و گاهی نامشخص بودن بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و دستورات خود اساس تضادها و تنش‌هاست. بنابراین هرچا که برخی بنا بر رنگ گویی و نسیجیده خواهی بگذارند ما موریت آشفته‌سازی و سیاست‌نمایی خواهد بود. مردم از این همه کم لطفی خسته شده‌اند. تبعیض‌ها دلزده‌شان کرده و گرنه از نظام دلخور نبوده و رفتار فرصت طلبان آزارشان می‌دهد. کوچک‌تر شدن سفره‌های مردم ناشی از دوعامل گرانی‌های قطاری و لجام‌گسیخته و ضعف و فقدان مدیریت کارآمد بر ابعاد تولید و عرضه و قیمت‌گذاری و نظارت کارآمد بر این‌جوه می‌باشند. این در حالی است که احتکار و انبار کردن ارزاق عمومی و بعضاً صدور غیرمجاز آنها به کمبود کالا‌های ضروری در بازار منجر می‌شود. از نگاه رفتارشناسی سیاسی ایجاد تنگناهای اقتصادی و کمبودهای مصنوعی موتور بر سرعت بنشیندن به ناراضی‌تراشی آنهم در طبقات کم درآمد، بازنشسته، بیبیکار است. بدون تردید فقدان نظارت متمرکز از علل نافذ در بروز برخی از ناسامانی‌های موثر در وقوع مشکلات اخیر هستند. گرانی‌ها زندگی مردم را

◀ **پیام اجتماعی انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی چه بود؟**

انتخابات مجلس دوازدهم ادغام مرزهای مشارکت سیاسی و آشنستگی فرهنگی بود. شرایط به شکلی بود که در شهر زادگاه من ابهر حدود ۷۰ کاندیدای انتخاباتی با هم رقابت می‌کردند که جای سوال زیادی دارد. از سوی دیگر میزان مشارکت در این انتخابات نسبت به ادوار گذشته پایین‌تر بود که نیاز به بررسی و کنکاش دارد. به هر حال در این انتخابات اتفاقات عجیب و غریبی رخ داد که تاکنون سابقه نداشته است. برخی در این دوره از انتخابات از فضای نامناسب انتخاباتی استفاده کردند و بدون هیچ گونه سابقه مثبت سیاسی و اجرایی وارد مجلس شدند. اتفاق دیگری که در این انتخابات رخ داد این بود که کسانی که دارای سوابق قدرتمند سیاسی و اجرایی بودند به دلایل مختلف رد صلاحیت شدند که این موضوع نیز جای بحث و تأمل دارد که این افراد بر اساس چه ملاک و معیاری رد صلاحیت شدند.

◀ **چه دلایلی باعث کاهش میزان مشارکت در این انتخابات شد؟**

در این زمینه باید افراد را به سه دسته تقسیم کرد. نخست کسانی بودند که مخالف بودند و به همین دلیل در انتخابات شرکت نکردند. دسته دوم کسانی بودند که با صندوق‌های رای قهر کرده بودند اما به نظام و آرمان‌های آن وفادار باقی مانده بودند. این افراد همان کسانی بودند که پای صندوق‌های رای رفتند و یک میلیون و دویست هزار رای باطله و غیر قابل استفاده به صندوق‌های رای انداختند. این افراد به دعوت مقام معظم رهبری و آرمان‌های نظام نه نگفتند اما با عبور از جریان‌های سیاسی گزینه‌ای برای انتخابات نداشتند و یا از گزینه‌های موجود کسی را برای حضور در مجلس مناسب نمی‌دانستند. گروه سوم اما کسانی بودند که با قدرت در انتخابات حضور پیدا کردند و آرای خود را به صندوق‌ها انداختند. نکته مهمی که بارها نیز به آن اشاره شده این است که مادر کشور تحزب نداریم و به همین دلیل گروه‌هایی یک شبه در آستانه انتخابات ابراز وجود می‌کنند و پس از انتخابات نیز از بین می‌روند. این رویکردی است که در انتخابات اخیر وجود داشته و باعث ناسامانی‌های زیادی در روند انتخابات شده است.

◀ **چرا میزان آرای باطله در این انتخابات افزایش پیدا کرده است؟**

برخی عنوان می‌کنند کسانی که آرای باطله دادند به دلیل اجبار سازمان‌ها و نهادهایی بوده که در آن مشغول به کار بوده‌اند. این در حالی است که ما باین دیدگاه موافق نیستیم و معتقدم بسیاری از آرای باطله به دلیل چشم به هم چسبی و نداشتن گزینه مناسب برای انتخاب به

یادداشت

نرمالیزه کردن مشارکت پایین



نسیم نمازی

روزنامه نگار

انتخابات مجلس شورای اسلامی، با مشارکتی حدود ۴۰ درصد برگزار شد. اما این انتخابات بیش از میزان مشارکتش، حرف برای گفتن دارد. از مدت‌های پیش و از انتخابات ۹۸ عیان بود که مردم به رویه جدید شورای نگهبان روی خوش نشان نخواهند داد و اگر همین رویه ادامه پیدا کند، مشارکت کاهش پیدا خواهد کرد. اعتراضات سال گذشته هم تقریباً مشخص کرده بود که بخشی از جامعه از وضعیت موجود ناراضی است. اما با وجود تأکید رهبری بر افزایش مشارکت، برخی تلاش کردند تا هرچه ممکن است از این امر پیشگیری کنند. در واقع این مساله فرصت مغتنمی بود برای جریان‌های تندرو تا از زیر بار ائتلاف با جریان‌های میانه‌رو و سنتی و به تعبیر خود پدرخوانده‌های حاضر در جبهه اصولگرایی طفره رفته تا سهم خود را که بیش از سهم آنها می‌دانستند به دست آورد. آمارهای ارائه شده از انتخابات به خوبی نشان می‌دهد که بدنه اجتماعی جریان اصولگرایی با کاهش شدید مواجه شده و آن بخشی هم که باقی مانده، طیف تندرو است که اندیشه‌هایی ورای اندیشه‌های جهان مدرن دارد. آنان که خود بانی وضع موجودند از مردم دعوت می‌کردند تا برای اصلاح وضع موجود به پای صندوق‌ها بیایند و در واقع دعوت آنان برای کمک به حذف رقابتی درون جناحی بود که در برابر برنامه‌های تندروانه آنها مقاومت می‌کردند. اما مشکل در جایی است که تئوری‌های این طیف با اصول قانون اساسی و مبانی انقلاب در تضاد است. پس آنان به دنبال نوعی نرمالیزه کردن تفکرات خود در قالب جدیدی از حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی هستند و اولین قدم هم حذف مردم از ساختار حکومت با نرمالیزه کردن میزان مشارکت ۴۰ تا ۴۰ درصدی به عنوان مشارکت پرشور است. در این مشارکت بقا و قوام آنها تضمین شده و دیگر نگرانی بابت تغییرات در ساختار قدرت ندارند، حتی اگر این بر خلاف منویات رهبر انقلاب باشد. آنان فعلاً تا رسیدن به هدف، بازی ناعادلانه‌ای را آغاز کرده‌اند به عنوان مثال رای سفید را که بر اساس قانون قابل لحاظ در آرای مکتسبه برای محاسبه رای کاندیدها در میزان ۴۰ درصد لازم برای رسیدن به کرسی مجلس نیست را به پای حمایت مردمی می‌گذارند و یا اگر در انتخابات گذشته کرونا و عملکرد دولت روحانی را عامل مشارکت پایین و ۴۲ درصدی می‌دانستند، انتخابات امسال را با مشارکت ۴۰ درصدی پرشور قلمداد می‌کنند. آنها اگر رای حسن روحانی در دور اول را نشانه عدم اقبال مردم به او توصیف می‌کردند رای پائین ابراهیم رئیسی را مری طبیعی در انتخابات ریاست جمهوری کشورهای اروپایی تفسیر می‌کنند. به عبارت دیگر هر اتفاقی بیفتد آنان مورد اقبال مردم و عملکردشان قابل تحسین است. ولی نکته کلیدی در اینجا خود کلمه مردم است. آنان مردم را آن بخش کوچک از جامعه ایران می‌دانند که هوادارشان است و ابایی هم از گفتش ندارند؛ همانگونه که به عنوان مثال سید احمد علم‌الهدی مردم را «متدینین» تعریف می‌کند. هرچند از او پرسیده شد که «متدینین» چه کسانی هستند؟ اما حال پرسش مهم این است که اصولگرایان میانه‌رو و سنتی قرار است چه سیاستی در برابر این گروه تازه به دوران رسیده در پیش گیرند؟ یا چویش‌هایی که حال خود را سروسیاست می‌دانند و کهنه‌کاران را چنابری حاصل. اگر آنان کماکان بخواهند از ترس افتادن کشور به دست اصلاح طلبان بر حذف شان اصرار بورزند باید به حذف خود از سوی این یا چویش‌ها هم موافق باشند. در حالی که اصلاح طلبان حاضر به مامشات و همکاری با اصولگرایان میانه‌رو بوده و شرافتمندانه با آنان کنار آمده‌اند اما آنچه در این مدت ایام انتخابات نشان داد، تندروها این دوستان سابق در صحنه رقابت روی دشمن را سفید می‌کنند. اما اصلاح طلبان تا امروز با تصور آنکه نظام سیاسی کشور موافق با مشارکت پایین نبوده و در صورت پایین آمدن مشارکت تن به خواست آنها خواهد داد پروژه تحریم انتخابات را پیش بردند و حال باید به این پرسش پاسخ دهند که برنامه و راهبرد آنان در صورت نرمالیزه شده مشارکت پایین چه خواهد بود.

دیدگاه

محمد جواد جمالی نویسنده‌گانی مطرح کرد:

انتخابات مجلس و بازی سیاسی پایداری

یک فعال سیاسی اصولگرا درباره نتیجه انتخابات مجلس دوازدهم گفت: لیست قالیباف در این دوره از انتخابات ریز سیاسی خورد. پایداری تا روز آخر بر آقای قالیباف فشار آورد و نهایتاً با وجود ائتلاف با شورای ائتلاف نیروهای انقلاب، یقیه نیروهای خود را در قالب انما مورد حمایت شریان و صبح ایران مورد حمایت رانفی پور در صحنه انتخابات ساماندهی کرد. وی افزود: پایداری‌ها حتی بعد از ائتلاف با قالیباف، نقد‌های صریحی را نسبت به آقای حداد عادل در قالب سخنرانی و توثیق بیان کردند. محمد جواد جمالی نویسنده‌گانی گفت: در واقع آنها بین مردم انقلابی این تصویر ذهنی را جانداختند که مشکلات موجود جامعه و ناکارآمدی مجلس یازدهم تقصیر آقای قالیباف و آقای حداد است چون آنها پدرخوانده هستند. وی با اشاره به افشاگری‌های نیروهای همسو با پایداری در چند روز مانده به انتخابات مجلس شورای اسلامی بیان کرد: ذهن مردمی که پای صندوق رای آمدند کاملاً آماده بود تا از ورود افرادی که به عنوان مسببان وضع موجود معرفی شده بودند به مجلس جلوگیری کنند. وی ادامه داد: جالب اینجاست که خیلی از نیروهای جبهه پایداری در مجلس نهم، دهم و یازدهم حضور داشتند بنابراین در وضعیت به وجود آمده سهمیم هستند اما با تبلیغات وسیع و همه جانبه به جامعه آدرس اشتباه دادند. حملات آنقدر گسترده بود که تیم آقای قالیباف در روزهای منتهی به انتخابات کاملاً در وضعیت دفاع قرار گرفت. این نماینده ادوار مجلس درباره رای نیابردن محمد باقر نوبخت و محمد رضا باهنر گفت: آنها سالیان سال از شهر خودشان دور بودند و نسل‌های جدید به میدان آمدند که شناخت و ارتباط مستقیمی با آقایان نوبخت و باهنر نداشتند. در چنین شرایطی وقتی یک فرد مشهور بعد از دو دهه به شهر خودش برمی‌گردد و می‌خواهد فعالیت انتخاباتی انجام دهد، مقابلهش کار دشوار می‌گردد. «تا حالا کجا بودی»، همین مسئله باعث رای نیابردن آنها شد.

واقعیت این است که کاهش میزان مشارکت مردم در انتخابات به دلیل اعتراض به وضعیت

موجود و ناکارآمدی‌هایی بود که در کشور وجود داشت. نباید از این موضوع به راحتی گذشت

بلکه باید روی آن تأمل کرد که چرا مردم در انتخابات شرکت نکردند. عدم مشارکت مردم به

دلیل تورم و گرانی‌های افسارگسیخته‌ای است که در سال‌های اخیر در کشور وجود داشته و

وضعیت زندگی مردم را روز به روز بدتر از گذشته کرده است